

بررسی و تحلیل تأثیرات مؤلفه‌های حس تعلق مکان بر کیفیت محیط شهری، مطالعه موردی: شهر

زاهدان

محمدرضا شجاعی فر (دانشجوی دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی،

زاهدان، ایران)

mreza.shojaei49@gmail.com

محمودرضا انوری (استادیار رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران،

نویسنده مسئول)

mr.anvari@iauzah.ac.i

معصومه حافظ رضازاده (استادیار رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان،

ایران)

rezazadeh2008@gmail.com

چکیده

یکی از ابعاد مهم در ارتقای کیفیت محیط شهری، حس تعلق به مکان است و از مباحث مهم در برنامه‌ریزی شهری است. به گونه‌ای که حس تعلق بالای شهروندان به محله، منطقه و شهر خود، از جهات گوناگون برای توسعه و پیشرفت شهرها بسیار سودمند است. هدف از این پژوهش بررسی مؤلفه‌های حس تعلق مکان بر کیفیت محیطی مناطق شهر زاهدان می‌باشد. با توجه به هدف پژوهش، نوع پژوهش کاربردی با روش توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش به منظور بررسی حس تعلق مکان ۳۲ شاخص تعیین گردید. با توجه به نتایج تحلیل عاملی-تاییدی که در محیط Amos 24 صورت گرفت، این شاخص‌ها در قالب ۶ مولفه اصلی پیوندهای عاطفی، تداوم، مشارکت و اثرگذاری، هویت و ارزش‌ها، پیوندهای اجتماعی و پیوندهای عملی طبقه‌بندی گردید. سپس برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزارهای SPSS24 و AMOS24 استفاده گردید. نتایج این پژوهش نشان داد که بیشترین میزان مولفه پیوند عاطفی، مولفه میزان تداوم، مولفه هویت و ارزش‌ها، مولفه پیوند اجتماعی، مولفه مشارکت و اثرگذاری و همچنین مولفه پیوندهای عملی مربوط به منطقه چهار شهر زاهدان (به ترتیب با ارزش ۳.۵۲، ۳.۳۹، ۳.۵۱، ۳.۵۰، ۳.۵۱ و ۳.۵۲) می‌باشد.

کلیدواژه: تعلق مکان، کیفیت محیط شهری، زاهدان، AMOS، GIS

۱. مقدمه

شهر پدیده ای مکانی - فضایی است که در نقطه ای خاص ایجاد شده، در زمان، تکامل یافته و در هر مقطعی از تاریخ، دگرگونی های کمی خود را به تغییرات کیفی مورد نیاز عصر خویش تبدیل می کند. پس برخورد با مسئله شهر، فضای شهری و کالبد آن برای جوابگویی به نیازهای آنی و آتی ساکنان، فرایندی را می طلبد که از فلسفه شهر شروع شده، در مکان - زمان رشد و گسترش می یابد و با جستجوی علمی - عملی به فضا ختم می گردد. این پایان خود آغاز پویشی دوباره است (حبیبی، ۱۳۷۸: ۱۶۶).

کیفیت حضور و فعالیت اجتماعی انسان فارغ از کالبدشهر نبوده و در رابطه ای دوسویه با آن قرار دارد؛ نگاهی دقیقتر به موضوع می تواند میزان ارتباط میان ابعاد مختلف شکل دهنده فرم کالبدی شهر و رفتار انسان در محیط های شهری را مورد بررسی قرار دهد و تا حد زیادی پیامدها و اثرات متفاوت هر نوع از گسترش و ساختار بافت کالبدی شهر را بر روی سرمایه اجتماعی شکل گرفته میان افراد و کیفیت تعاملات انسانی را در نسبت با آن منعکس نماید (بحرینی، ۱۳۸۲: ۵۲).

حس مکان، به معنای دریافت ویژگی های معنایی محیط و شخصیت مکان توسط استفاده کنندگان از محیط می باشد. حسی که توسط ادراک ذهنی مردم از محیط و دریافت احساسات آگاهانه یا ناآگاهانه آنها از محیط دریافت شده و استفاده کننده را در ارتباطی تنگاتنگ با محیط قرار می دهد. حس مکان موجب ایجاد حس رضایت مندی در استفاده کننده شده و با یادآوری فرهنگ یا تاریخ یک اجتماع و یا تجارب ذهنی گذشته فرد، بر مفهوم هویت تأکید کرده و کیفیات فضایی ساخته شده را برای مخاطب ارتقاء می بخشد (سرور و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۲).

تعلق به مکان که بر پایه حس مکان بوجود می آید فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزئی از مکان می داند و بر اساس تجربه های خود از نشانه ها، معانی، عملکردها و شخصیت نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می سازد و مکان برای او قابل احترامشود. از نگاه پدیدارشناسان، حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیت های روزمره است. این حس می تواند در مکان زندگی فردی بوجود آمده و با گذر زمان عمق و گسترش یابد. حس مکان نه فقط باعث هماهنگی و کارکرد مناسب فضای معماری و انسان است بلکه عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی افراد نیز می باشد و به هویت مندی افراد و احساس تعلق آنها به مکان کمک می کند. تعلق مکان از جنبه های روانشناسی و هویتی قابل تفسیر است.

فعالیت های حاکم در یک محیط را بر اساس عوامل اجتماعی، کنش ها و تعاملات عمومی انسان ها تعریف می کنند و کالبد را به همراه متغیرهای فرم و سازماندهی اجزاء، به عنوان عوامل مهم در شکل گیری حس تعلق محیط ارزیابی می نماید. عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی، ارتباط درون و بیرون در فضاها به ایجاد حس تعلق می پردازند.

از سوی دیگر عناصر کالبدی از طریق هم‌سازی و قابلیت تامین نیازهای انسان در مکان در ایجاد حس تعلق موثر می‌باشند. عوامل کالبدی محیط در شکل‌گیری معنای حس تعلق نقش واسطه را ایفا نموده و در دو سطح در محیط موثر واقع می‌گردند: در سطح اول، عناصر کالبدی محیط با هم‌سازی فعالیت‌ها از طریق تامین و قابلیت انجام آن و با ارضای نیازهای فردی در درجه اول و نیازهای اجتماعی ناشی از فعالیت‌های گروهی در درجه بعد امکان ایجاد حس در مکان را فراهم می‌نمایند. در این سطح، ویژگی‌های کالبدی محیط با تسهیل فعالیت‌ها، منطبق بر الگوهای رفتاری افراد و با تامین نیازهای استفاده‌کنندگان از مکان، در برقراری تعلق اجتماعی محیط موثر واقع شده و امکان ایجاد و ارتقاء پیوندهای اجتماعی در محیط را فراهم می‌نمایند. در سطح دوم عناصر کالبدی محیط به عنوان مولفه‌های فرهنگی و نمادها، واسطه ذهنی در ایجاد ارتباط ذهنی بین استفاده‌کنندگان از مکان را فراهم می‌نمایند. در این سطح، عناصر کالبدی منبعت از خاطره‌ها و تصاویر ذهنی استفاده‌کنندگان بوده و به صورت نمادگونه، ناشی از فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی، نقش خود را ایفا می‌نمایند (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵-۶).

در همین راستا، هدف این پژوهش بررسی و تحلیل تأثیرات مؤلفه‌های حس تعلق مکان بر کیفیت محیط شهری زاهدان است تا بتوان زمینه‌های افزایش این بُعد مهم ارتقای کیفیت محیط را فراهم آورد. با توجه به این هدف سعی می‌شود به سؤالات مهم که آیا میزان حس تعلق مکانی از نظر شاخص‌های موردبررسی در بین مناطق شهر زاهدان متفاوت است؟ و آیا در میزان تعلق ساکنان به مکان در شهر زاهدان نقش مهمی را ایفا می‌نمایند؟ پاسخ داده شود.

۱- مبانی نظری

طرح ایده اولیه مفهوم تعلق مکانی به دهه ۶۰ میلادی باز می‌گردد، زمانی که علاقه مندی‌های اولیه به مطالعات پدیدارشناسی ظهور پیدا کرد. طی دهه‌های مختلف رابطه احساسی میان مردم و مکان‌ها در حوزه‌های متعددی مانند جامعه‌شناسی، روانشناسی محیطی، جغرافیای انسانی، معماری، برنامه‌ریزی و طراحی شهری تحت واژه‌هایی چون «حس مکان»^۱، «تعلق مکانی»^۲، «وابستگی به مکان»^۳، «هویت مکانی»^۴، «معنای مکان»^۵ و «ریشه‌داری»^۶ مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است (Doh, 2006: 45). در حالی که تمام این تعابیر به روابط احساسی مردم و مکان‌ها اشاره دارند، تمایز و رابطه میان این مفاهیم همچنان مبهم و ناشناخته باقی مانده است. در پژوهش‌های

-
- 1 . Sense of place
 - 2 . Place dependence
 - 3 . Place meaning
 - 4 . Place Identity
 - 5 . Rootedness

انجام شده گاهی مشاهده می شود که یکی از اصطلاحات به عنوان مفهومی عام و دربرگیرنده سایر مفاهیم معرفی می شود، مانند لالی^۱ (۱۹۹۲) که «تعلق مکانی را یکی از اجزای سازنده هویت مکانی تعریف کرده است.» (Hidalgo & Hernandez, 2001: 274). شامای^۲ (۱۹۹۱)، ویلیامز و همکاران^۳ (۱۹۹۲)، های^۴ (۱۹۹۸) و ایزنهاور و همکاران^۵ (۲۰۰۰) حس مکان را به عنوان مفهومی گسترده که انواع پیوندهای مردم - مکان را پوشش می دهد و تعلق مکانی را به عنوان یکی از ابعاد و سطوح حس مکان معرفی کرده اند. گاه نیز این واژگان بدون توجه به تمایزهای موجود میانشان، به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می گیرند، مانند استفاده از اصطلاح هویت مکانی به جای تعلق مکانی در مطالعات براون و وارنر (Hidalgo & Hernandez, 2001: 274). با وجود تعاریف متعدد، به طور عمده از تعلق مکانی به عنوان پیوندهایی که مردم میان خود و مکان ها برقرار می کنند، یاد شده است (Lewicka, 2008: 211). هیلداگو و هرناوندز به منظور تدقیق مفهوم تعلق مکانی و تمایزش با مفاهیم نزدیک به آن به ویژه رضایت‌مندی سکونتی، با ارجاع به تعریف نظریه دلبستگی و شاخصه اصلی آن یعنی تمایل به حفظ نزدیکی به موضوع دلبستگی، تعلق مکانی را «احساسی مثبت میان افراد و مکانی خاص که شاخصه اصلی آن گرایش افراد به حفظ نزدیکی به آن مکان است»، تعریف کرده اند (Hidalgo & Hernandez, 2001: 274). تعاریف ارائه شده در سال های اولیه شکل گیری مفهوم تعلق مکانی، آن را به عنوان محصول؛ یعنی «احساس دلبسته شدن» در افراد و یا گروه ها، مدنظر قرار می داد. با گسترش مطالعات و با اهمیت یافتن چگونگی و چرایی دلبسته شدن به مکان ها، فرایند و دلایل شکل گیری تعلق به مکان ها نیز به عنوان ابعاد جدایی ناپذیر مفهوم تعلق مکانی مورد مطالعه قرار گرفتند. هریس و همکاران^۶ (۱۹۹۶)، برون و وارنر^۷ (۱۹۸۵) تأکید کرده اند که تعلق مکانی هم احساس و هم فرایند دلبسته شدن را که شامل دلایل تعلق می شود، در بر دارد (Waxman, 2006: 37).

محققان در تبیین چگونگی شکل گیری تعلق مکانی، به طور عمده از فرایندی احساسی، ادراکی و رفتاری صحبت کرده اند (Lewicka, 2008: 211). تعلق مکانی رابطه ای احساسی با یک مکان خاص است و بیشتر مطالعات

1. Lalli, M. (1992): Urban-related identity: Theory, measurement, and empirical findings

2. Shamai, S. (1991): Sense of place: An empirical measurement

3 Williams, D. R., Patterson, M. E., Roggenbuck, J. W., & Watson, A. E. (1992): Beyond the commodity metaphor: Examining emotional and symbolic attachment to place

4 Hay, R. (1998): Sense of place in developmental context

5 Eisenhauer, B. W., Krannich, R. S., & Blahna, D. J. (2000): Attachments to special places on public lands: An analysis of activities, reason for attachments, and community connections

6. Harris, P. B., Brown, B. B., & Werner, C. M. (1996): Privacy regulation and place attachment: Predicting attachments to a student family housing facility

7. Brown, B. B., & Werner, C. M. (1985): Social cohesiveness, territoriality, and holiday decorations: The influence of cul-de-sacs

انجام شده نیز از احساسات و عواطف به عنوان مفهوم اصلی و بنیادین در ایده تعلق مکانی یاد کرده اند. تعلق مکانی که عناصر ادراکی را نیز دربر می گیرد، رابطه ای نزدیک با مفهوم آشنایی به عنوان یکی از فرایندهای روان شناختی اتصال مردم به مکان ها دارد. آشنایی با مکان به عنوان اولین سطح از شکل گیری تعلق مکانی و به تبع آن حس مکان شامل بودن در یک مکان بدون توجه و حساسیت به کیفیات یا معنای آن است (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۹). آشنایی فرایندی است که از طریق آن مردم به دانش شناختی دقیق نسبت به محیط هایشان دست می یابند. یوجانگ (۲۰۰۸) در مطالعاتش درباره تعلق مکانی در خیابان تجاری مرکز شهر کوالامپور، آشنایی را به چهار بعد تقسیم کرده است. بعد اول «آگاهی مکانی»^۱، بعد دوم «ادراک بصری»^۲، بعد سوم «ادراک اسمی مکان»^۳ و بعد چهارم «تعامل با مکان»^۴ است. وی همچنین دو سطح برای آشنایی تعریف کرده است: اول، «آشنایی شناختی اندک»^۵ که به معنای در معرض معرض مکان بودن، بدون داشتن هدفی ویژه است و دوم، «آشنایی عملکردی»^۶ که به معنای در ارتباط بودن با یک مکان و یکی شدن با تسهیلاتش از طریق فعالیت های جاری در مکان، است (Ujang, 2008: 2). به اعتقاد او اهمیت موضوع آشنایی، ایجاد زمینه ای برای شکل گیری مکان های معنادار و در نهایت برقراری پیوند عاطفی با مکان در قالب تعلق به مکان است. گاسو نیز سه سطح، آشنایی عمیق، آشنایی معمولی و آشنایی سطحی با مکان را تعریف کرده است. سطح اول به یکی شدن با مکان، سطح دوم به تجربه ناخودآگاه مکان و مشارکت عمیق و بدون اندیشه و سطح سوم به حس مکان خودآگاه و تلاش به مشارکت در معنای مکان بدون پذیرش قراردادهای اجتماعی اشاره دارد (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۹).

شامای (۱۹۹۱) مفهوم آشنایی را در قالب یکی از سطوح اولیه شکل گیری حس مکان با نام «آگاهی از قرارگیری در یک مکان معرفی کرده است. در این سطح، فرد می داند که در یک مکان متمایز زندگی می کند. نمادهای آن مکان را تشخیص می دهد، ولی هیچ احساسی که او را به مکان متصل کند، وجود ندارد. وی از سطحی بالاتر از تعلق به مکان نام می برد. در این سطح فرد نه تنها از نام و نمادهای مکان آگاه است، بلکه با مکان احساس بودن و تقدیر مشترک داشتن نیز دارد، در این حالت نمادهای مکان محترم و آنچه برای مکان رخ می دهد نیز برای فرد مهم است (Shamai, 1991: 349-350). تعلق به محیط، یک احساس روانی است که باعث نزدیک شدن انسان و محیط می گردد. نمود فیزیکی حس تعلق به صورت قلمروهایی شکل یافته در محیط است، که سه ویژگی برای فرد به ارمان می آورد: حس هویت فضایی، حس انحصاری و کنترل ارتباط در فضا و زمان به این ترتیب همان گونه که

-
- 1 . Locational knowledge
 - 2 . Visual Recognition
 - 3 . Place name Recognition
 - 4 . Place interaction
 - 5 . Acquaintance Familiarity
 - 6 . Functional Familiarity

شولتز تعلق داشتن به مکان را برخورداری از پایگاه وجودی می‌داند با وجود حس تعلق انسان خود را جزئی از محیط دانسته و نسبت به آن حس مالکیت پیدا می‌کند (پرتوی، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

در سطحی بالاتر و در قالب تعلق مکانی فرد ارتباط عاطفی پیچیده با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و محوریت فرد است. تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می‌دهد، در این حالت بر منحصر به فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکانها تأکید می‌شود (Shamai, 1991: 350). خاطرات، اعتقادات، معانی و دانشی که افراد نسبت به مکان‌های شاخص دارند، آنها را به مکان‌هایی مهم برایشان تبدیل می‌کند. تعلق مکانی به عنوان ادراک همانطور که شامل ساخت معنای مکان و ارتباط با آن می‌شود، شامل شناختی که نزدیکی به یک مکان را تسهیل کند نیز می‌باشد. از طریق خاطرات شکل گرفته در مکانها، مردم برای آنها معنا خلق کرده و آن را با تعریفی که از «خود» دارند مرتبط می‌کنند (Scannell & Gifford, 2010: 3).

تعلق مکانی به عنوان فرایندی رفتاری اشاره به تبعات رفتاری شکل‌گیری رابطه احساسی - ادراکی افراد با مکان‌ها دارد. رفتارهای تعلق مکانی در چهار دسته از رفتارهای تمایل به حفظ نزدیکی به مکان، حزن و اندوه ناشی از جدایی از مکان، حمایت اجتماعی مکان و انتخاب مکان‌های مشابه قابل تقسیم بندی است. ایده تعلق مکانی به عنوان رفتار تمایل به حفظ نزدیکی در مطالعات‌های (۱۹۹۸) و کاسادرا و جوانیتز^۱ (۱۹۷۴) که تعلق مکانی را در ارتباط با بازه زمانی سکونت و تمایل به بازگشت به سکونتگاه‌های پیشین بررسی کرده‌اند، تأیید شده است. سفرهای زیارتی گونه‌ای دیگر از رفتارهایی است که تمایل به حفظ نزدیکی به مکانی شاخص را نشان می‌دهد (Mazumdar & Mazumdar, 2004: 387). بازسازی مکان‌ها و مقاومت در برابر تغییر ساختار کالبدی و اجتماعی مکان‌ها (Doh, 2006: 50)، گونه‌هایی از بیان رفتاری تعلق مکانی در قالب حمایت اجتماعی از مکان است.

پژوهش‌های مربوط به تبیین اجزای و انواع تعلق مکانی در مطالعات نظریه پردازان در قالب مدل‌های ارائه شده در دو گروه زمانی مطالعات مربوط به سالهای اولیه طرح موضوع تعلق مکانی و مطالعات متأخر در این حوزه قابل تقسیم بندی است.

الف) مدل‌های سنتی: در نگرش سنتی که در سال‌های اولیه طرح مفهوم تعلق مکانی رواج داشت، تعلق مکانی به عنوان فرایندی روانی میان مردم و مکان‌ها در دو سطح عملکردی و احساسی طبقه بندی می‌شد. بعد عملکردی

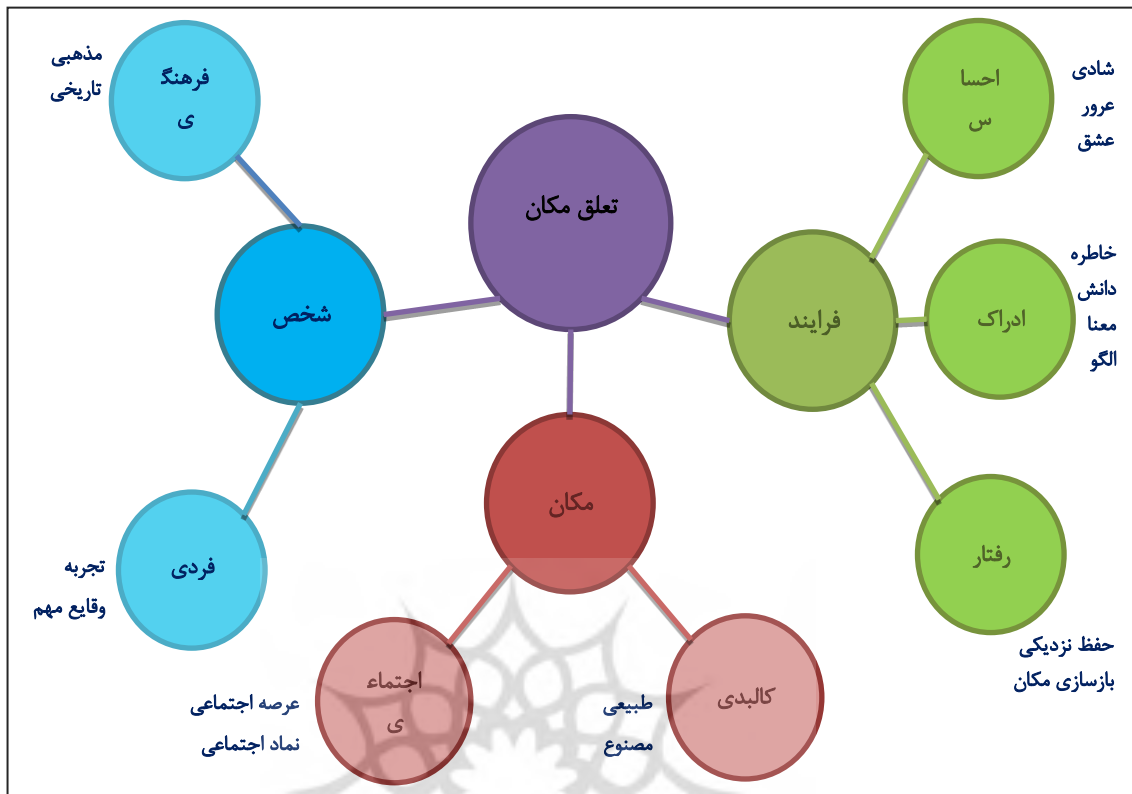
1 . Kasarda, J. D., & Janowitz, M. (1974): Community attachment in mass society

تعلق مکانی توسط استکلس و شوماخر^۱ (۱۹۸۱) و بعد تعلق احساسی توسط پرورشانسکی^۲ (۱۹۷۸) معرفی شده است.

ب) مدل های متأخر: با گسترش مطالعات، انتقاداتی بر مدل دو بعدی تعلق مکانی و به تبع آن پیشنهادهای مبنی بر ابعاد مغفول این فرایند ارائه شد. غفلت از بعد جمعی و نقش اجتماع و کم اهمیت شمردن محیط های طبیعی نقاط ضعف مدل های سنتی بود. محققانی که بر بعد اجتماعی - فرهنگی مکان تمرکز بیشتری داشتند، بر نیاز به درک زمینه اجتماعی در پیوندهای مکانی، شامل تعاملات اجتماعی که منجر به شکل گیری معنای مکان ها می شود، تأکید می کردند (Raymond, Brown, & Weber, 2010). از میان مدل های تدوین شده در انتقاد به مدل دوبعدی سنتی می توان به چارچوب تئوریک سه قطبی «خود- دیگران- محیط»^۳ گاستافسون (۲۰۰۱a)، مدل سه قطبی «ارتباطات فردی، اجتماعی و محیطی»^۴ ریموند، براون و وبر (۲۰۱۰) و چارچوب سه جزئی «مردم- مکان- فرایند»^۵ اسکال و گیفورد (۲۰۱۰) (شکل شماره ۱) اشاره کرد.



- 1 . Stokols, D., & Shumaker, S. A. (1981): People in places: A transactional view of settings
- 2 . Proshansky, H. M. (1978). The city and self-identity
- 3 . Self-other-environment
- 4 . Personal, community, and environmental connections
- 5 . Person, place, process



شکل شماره ۱: چارچوب سه جزئی تعلق مکان، ماخذ: اسکائل و گیفورد (۲۰۱۰)

برپایه مبانی نظری و ادبیات پژوهش، تعلق مکانی دارای شش حوزه اصلی شامل احساسات، تداوم، هویت، ابعاد اجتماعی، مشارکت و سودمندی، و ابعاد عملی است.

الف) احساسات: شامل «تعلق» (احساس تعلق و وابستگی به مکان)، «غرور» (احساس غرور نسبت به مکان)، «عدم اشتیاق» (عدم اشتیاق به ترک مکان)، «خاطرات» (وجود خاطره از مکان)، «معنا» (معنادار بودن مکان)، «حفظ نزدیکی» (احساس بد نسبت به جدایی از مکان)، «تمایز» (احساس متمایز بودن به دلیل زندگی در مکان) و «عزت نفس» (احساس زندگی در مکانی که باعث افزایش عزت نفس می شود)؛

ب) تداوم: شامل «تمایل به ماندگاری» (وجود برنامه برای ماندن در مکان)، «تداوم» (احساس تداوم و پیوستگی در مدت زمان زندگی در مکان)، «تاریخ مکان» (آگاهی و اطلاع از تاریخ مکان) و «تاریخ خانوادگی» (زندگی پدر و مادر و یا پدربزرگ و مادر بزرگ در مکان)؛

ج) هویت: شامل «هویت و محیط انتخابی» (اعتقاد به اینکه شیوه و الگوی زندگی فرد با مکان همخوان است)؛

1. Emotions regarding place
2. Continuity
3. Identity

د) ابعاد اجتماعی^۱: شامل «ارتباط اجتماعی خانواده» (وجود اعضای خانواده در مکان)، «ارتباط اجتماعی دوستان» (وجود دوستان در مکان)، «ارتباط با همسایگان» (ارتباط مکرر و مداوم با همسایگان)، «شناخت» (شناخت از همسایگان)، «حمایت اجتماعی» (اعتقاد به حمایت همسایگان در صورت نیاز)، «حس اجتماع» (نزدیک بودن ساکنان به یکدیگر)، «ثبات همسایگی» (وجود ارتباط طولانی مدت با همسایگان به واسطه زندگی طولانی مدت در مکان) و «ارزش ها» (وجود ارزش های مشترک بین ساکنان مکان)؛

ه) مشارکت و سودمندی^۲: شامل «بهبود» (مشارکت فردی در بهبود ابعاد مکان)، «علاقمندی به محله» (علاقمندی به محله به گونه ای که در تغییرات آن وارد عمل شود)، «مشارکت در رخدادهای محله» (مشارکت در رخدادهای اجتماعی محله) و «سودمندی» (وجود این احساس که فرد به عنوان عنصری مهم در تصمیم گیری های محله به مشارکت گرفته می شود)؛

و) ابعاد عملی^۳: شامل «تسهیل در رفت و آمد» (راحتی در دسترسی به فضاهای موجود در مکان)، «آشنایی» (آشنایی با فضاهای موجود در مکان)، «ارتباط مالی» (کسب منفعت مالی از مکان)، «شغل» (ارتباط با مکان به دلیل شغل)، «همسنگی» (مقایسه مکان با سایر مکان ها)، «احساس امنیت» (احساس امنیت در مکان) و «جرایم ادراک شده» (آگاهی و اطلاع از جرایم مکان).

۲- روش پژوهش

با توجه به اهداف پژوهش، نوع پژوهش کاربردی با روش توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش شامل ساکنان شهر زاهدان است. در تعیین حجم نمونه (n) به روش کوکران ضریب اطمینان برابر با ۰.۹۵، Z برابر با ۱.۹۶، p و q برابر با ۰.۵ و میزان خطا (d) برابر با ۰.۰۵ در نظر گرفته شده است. بر این اساس حجم نمونه برای جامعه آماری شهر زاهدان با جمعیت ۵۸۷۷۳۰ نفر، ۳۸۳ نمونه برآورد گردید.

در این پژوهش برای نمونه گیری از روش نمونه گیری طبقه ای نسبتی^۴ استفاده شده است. از دیدگاه کوکران (۱۹۷۷) اساس نمونه گیری طبقه ای بر این فرض استوار است که جامعه آماری به صورت لایه لایه و طبقه ای توزیع شده است و افراد داخل هر لایه و طبقه ای مستقل و به طور یکسان توزیع شده اند. بنابراین نمونه گیری ساده تصادفی و نمونه گیری نظام مند در درون هر طبقه صورت می پذیرد. با تقسیم جمعیت به طبقات گوناگون عدم تجانس در هر طبقه کاهش می یابد. این کار باعث سهولت در جمع آوری اطلاعات نمونه ها می گردد. در نمونه گیری طبقه ای نسبتی

1 . Social Aspects

2 . Involvement / Efficacy

3 . Practical Aspects

4. Proportional stratified sampling

که آن را طبقه‌بندی متناسب^۱ و نمونه‌گیری طبقه‌ای با تخصیص نسبتی^۲ نیز می‌نامند، ابتدا چارچوب نمونه‌گیری مطابق با طبقات تعیین شده دسته‌بندی می‌شود. سپس، حجم نمونه هر یک از طبقات بر اساس سهم و نسبت از جامعه آماری تعیین می‌گردد. در نهایت از میان هر طبقه، بر اساس حجم نمونه آن طبقه، نمونه‌هایی به صورت تصادفی انتخاب می‌گردد (Gideon, 2012: 75) (فرمول شماره ۱).

$$n_h = \frac{n * N_h}{N} \quad \text{فرمول ۱}$$

که در آن n_h حجم نمونه طبقه، n حجم نمونه، N_h جمعیت طبقه و N حجم جامعه آماری است. با توجه به حجم نمونه ۳۸۳، تعداد نمونه انتخابی هر طبقه (مناطق ۵ گانه شهر زاهدان) بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی تعیین گردید (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: توزیع نمونه‌ها در مناطق ۵ کلان شهر زاهدان به تفکیک طبقه‌بندی

تعداد نمونه انتخابی	جمعیت ۱۳۹۵		شماره منطقه
	درصد	نفر	
۶۰	۱۵.۷۵	۸۹۹۲۷	۱
۸۵	۲۲.۲۸	۱۲۷۱۸۶	۲
۱۰۹	۲۸.۵۷	۱۶۳۰۸۰	۳
۸۶	۲۲.۵۳	۱۲۸۵۸۵	۴
۴۲	۱۰.۸۷	۶۲۰۷۴	۵
۳۸۳	۱۰۰	۵۷۰۸۵۲	شهر زاهدان

ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۸

ابزار اصلی گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه و استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) می‌باشد. در ادامه شاخص‌های پژوهش گزینش و به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم برای هر یک از شاخص‌ها، پرسشنامه طراحی گردید. این پرسشنامه بر پایه طیف پنج‌گانه لیکرت (خیلی کم، کم، زیاد، متوسط و خیلی زیاد) طراحی شد. همچنین جهت تعیین پایایی پرسشنامه، ابتدا تعدادی پرسشنامه در جامعه آماری توزیع و سپس با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ، پایایی پرسشنامه موردسنجش قرار گرفته است.

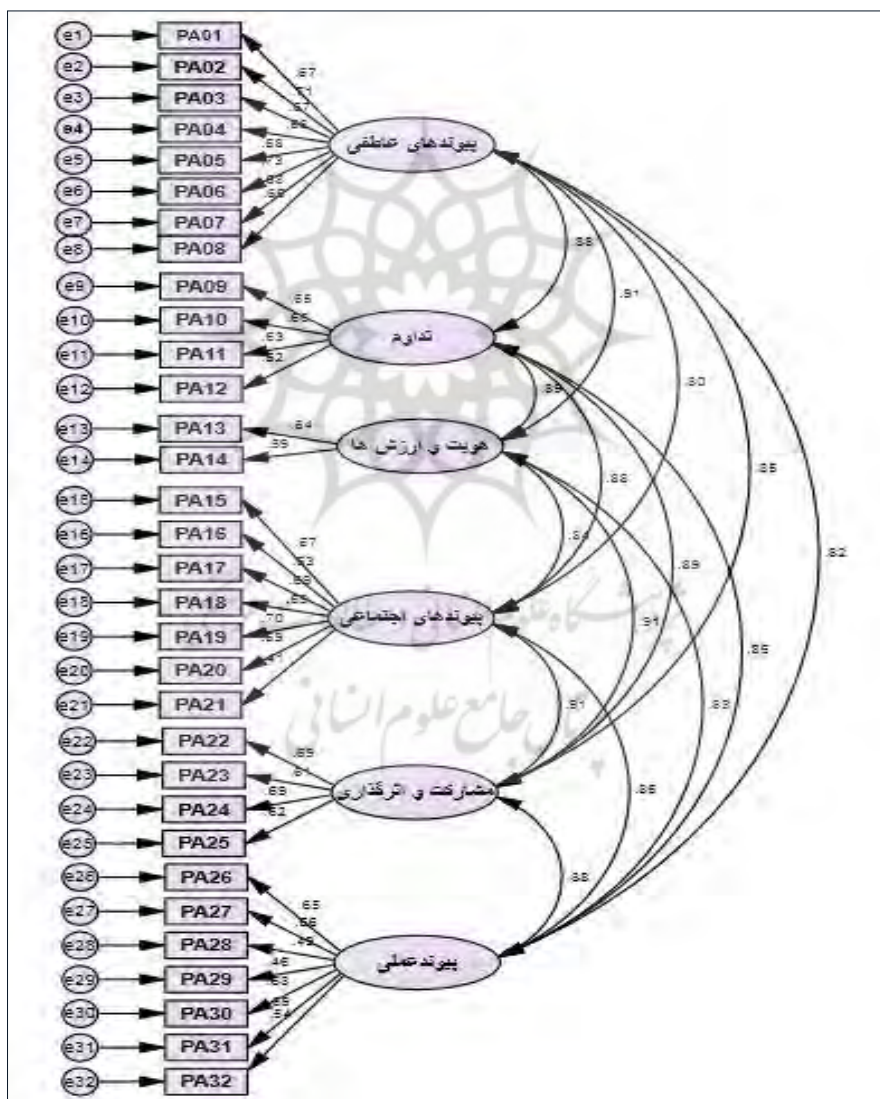
جدول شماره ۲: نتایج آزمون آلفای کرونباخ

1. proportionate stratification
2. stratified sampling with proportional allocation

Reliability Statistics			
Cronbach's Alpha	Cronbach's Alpha Based on Standardized Items	N of Items	Cases
.909	.901	64	20

ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۸

سپس پرسشنامه‌ها برای نمونه‌های جامعه آماری تکمیل گردید. با توجه به نتایج تحلیل عاملی تاییدی که در محیط Amos 24 صورت گرفت، این شاخص‌ها در قالب ۶ مولفه اصلی پیوندهای عاطفی، تداوم، مشارکت و اثرگذاری، هویت و ارزش‌ها، پیوندهای اجتماعی و پیوندهای عملی طبقه‌بندی گردید (جدول شماره ۳ و شکل شماره ۲).



شکل شماره ۲: نتایج تحلیل عاملی تاییدی شاخص‌های حس‌تعلق مکان

جدول شماره ۳: شاخص‌های حس‌تعلق مکان

شاخص	مولفه	شاخص	مولفه
------	-------	------	-------

اعتقاد افراد به همخوانی ساکنان با شیوه و الگوی زندگی در مکان	هویت و ارزش ها	احساس تعلق و وابستگی به مکان	پیوندهای عاطفی	
		احساس غرور افراد به مکان		
وجود ارزش های مشترک بین ساکنان مکان	پیوندهای اجتماعی	عدم اشتیاق افراد به ترک مکان		
		وجود خاطره افراد از مکان		
		معنادار بودن مکان برای افراد		
		احساس بد افراد نسبت به جدایی از مکان		
		احساس متمایز بودن افراد به دلیل زندگی در مکان		
		احساس عزت نفس افراد از زندگی در مکان		
		وجود ارتباط طولانی مدت با همسایگان به واسطه زندگی طولانی مدت در مکان		تمایل افراد برای ماندن در مکان
		راحتی در دسترسی به فضاهای موجود در مکان		احساس تداوم و پیوستگی افراد در مدت زمان زندگی در مکان
آشنایی با فضاهای موجود در مکان	آگاهی و اطلاع افراد از تاریخ مکان			
منفعت مالی کسب شده از مکان	پیوندهای عملی	زندگی پدر و مادر و یا پدربزرگ و مادر بزرگ افراد در مکان	مشارکت و اثرگذاری	
ارتباط با مکان به دلیل شغل افراد		مشارکت فردی در بهبود ابعاد مکان		
مقایسه مکان با سایر مکان ها		علاقمندی فرد به محله به گونه ای که در تغییرات آن وارد عمل شود		
احساس امنیت افراد در مکان		مشارکت افراد در رخدادهای اجتماعی محله		
آگاهی و اطلاع افراد از جرایم مکان		احساس افراد به عنوان عنصری مهم در تصمیم گیری های محله		

ماخذ: مبانی نظری و ادبیات تحقیق و نتایج تحلیل عاملی تاییدی، ۱۳۹۸

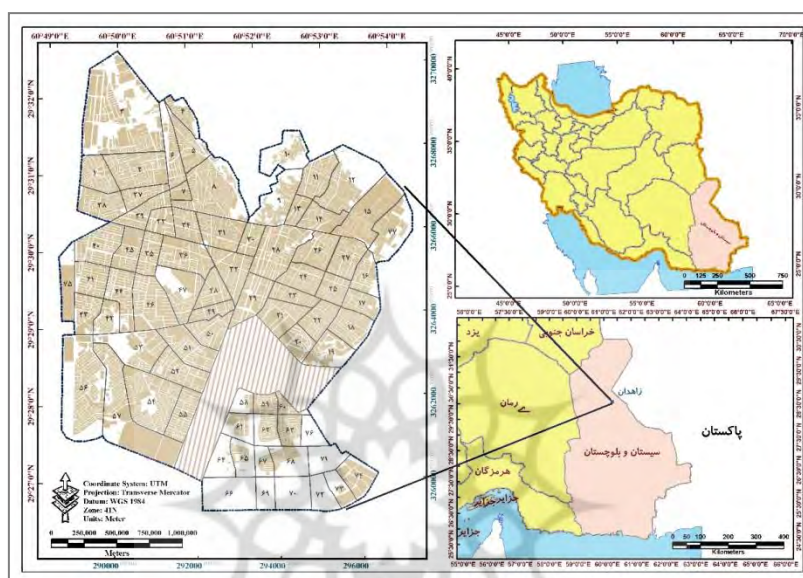
برای تجزیه و تحلیل داده ها و بررسی ارتباط میان عوامل و تعیین سهم هر یک از آنان از مدل سازی معادلات ساختاری^۱ استفاده شده است. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزارهای SPSS25 و AMOS24 استفاده گردید.

۳- محدوده مورد مطالعه

شهر زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان در شرق ایران و نزدیک مرز ایران و کشورهای افغانستان و پاکستان قرار دارد. این شهر مرکز شهرستان زاهدان است (مهندسین مشاور شهر و خانه، ۱۳۸۶: ۷). این شهر از مهمترین مراکز اداری، سیاسی، تجاری و نظامی در جنوب شرق ایران به حساب می آید (شکل شماره ۳). به طور کلی هسته اولیه شکل گیری شهر و مراحل توسعه آتی تا سالهای ۱۳۵۵ در بخش شمالی دشت و سپس مرکز دشت صورت گرفته، در سالهای ۱۳۶۵ توسعه کالبدی شهر بیشتر به سمت شمال غرب، غرب، شرق و جنوب شهر تمایل داشته است که برخی از این توسعه ها نیز بعضاً به صورت خطی و ستاره ای در حول سه محور زاهدان- زابل، زاهدان-

1. Structural Equation Modeling (SEM)

خاش و زاهدان- میرجاوه دیده می‌شوند. از سال ۱۳۶۵، طرح جامع برای شهر زاهدان تهیه و تصویب گردید و از آن زمان به بعد رشد و توسعه شهر طبق برنامه از قبل تدوین شده قرار گرفت و زمین‌هایی جهت رشد فیزیکی شهر در طرح فوق پیش‌بینی گردید. از سال ۱۳۷۵ تاکنون ضمن ملاحظه توسعه‌های منفصل و پراکنده، گسترش بر حول هسته اولیه، با گرایش توسعه شهر همواره به سمت جنوب شرقی و شمال غربی و غرب می‌باشد (فردآقائی، ۱۳۸۲: ۷۹).



شکل شماره ۳: موقعیت محدوده مورد مطالعه (شهر زاهدان)، ۱۳۹۸

جمعیت شهر زاهدان در سرشماری عمومی و رسمی کشور در سال ۱۳۹۵ برابر با ۵۸۷۷۳۰ نفر اعلام گردیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این شهر تا پیش از سال ۱۳۹۰، سه منطقه شهری داشته و تعداد مناطق شهر زاهدان بر اساس تصمیمات فضایی جدید، از سه منطقه به پنج منطقه افزایش یافته است. در حال حاضر تعداد محلات رسمی شهر زاهدان ۷۷ محله است.

۵- یافته‌های پژوهش

- وضعیت تعلق مکان در شهر زاهدان

یکی از ابعاد مهم در ارتقای کیفیت محیط‌های شهری، حس تعلق به مکان است. وجود این حس که عاملی مهم در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط است، در نهایت منجر به ایجاد محیط‌های با کیفیت نیز خواهد شد. عوامل اجتماعی به همان نسبت که عوامل ادراکی - شناختی فردی در شکل‌گیری حس تعلق به عنوان گام اولیه در این مسیر می‌باشد، نقش متغیرهای اجتماعی نظیر فرهنگ، نمادها و نشانه‌های اجتماعی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است، به طوری که تا قبل از سال ۱۹۷۸ عمده تحقیقات صورت گرفته بر نقش عوامل اجتماعی در شکل‌گیری این حس پرداخته بوده و متغیرهای کالبدی جایگاهی در تحقیق نداشتند. محققینی همچون راپاپورت، پروشانسکی هریجرو لاوراکاس با پژوهش‌های خود بر نقش عوامل کالبدی تاکید نموده، اما اشاره داشته‌اند که آنچه محیط کالبدی را به عنوان بستر تعامل اجتماعی بیان می‌کند، در اصل نمادها و سمبل‌های محیطی مشترک

اجتماعی از یک طرف و از طرف دیگر قابلیت محیطی در تامین و گسترش این بعد از نیازهای انسانی است. در اصل همه انسان ها دارای نیاز اجتماعی هستند و در هرم نیازهای انسانی در جستجوی تعلق به خویشاوندان و دوستان می باشند.

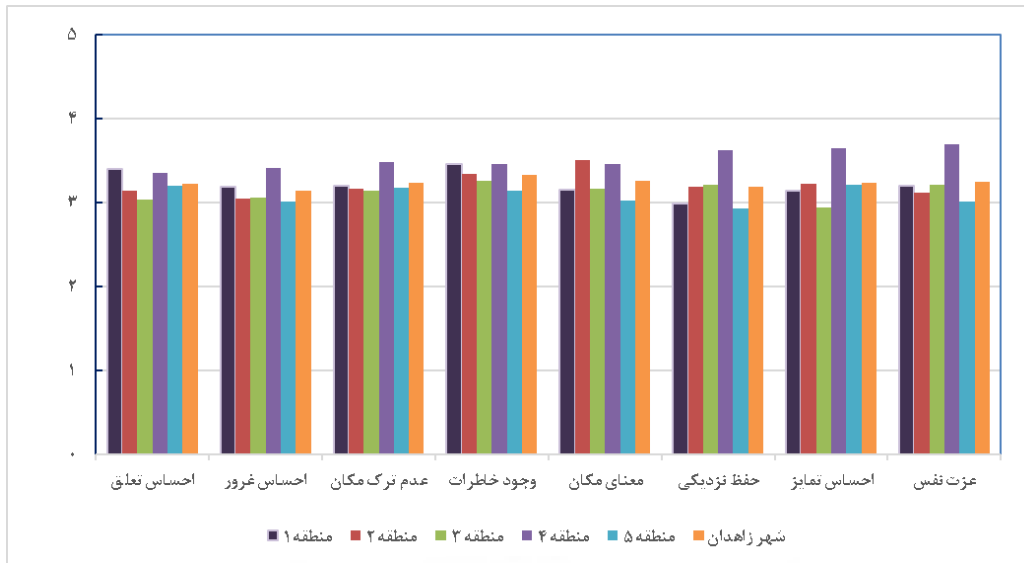
- پیوندهای عاطفی

به منظور بررسی و تحلیل مولفه پیوندهای عاطفی از هشت شاخص تعلق، غرور، عدم ترک مکان، خاطرات، معنای مکان، حفظ نزدیکی، تمایز و عزت نفس استفاده شده است و از ساکنان مناطق ۵ گانه شهر زاهدان خواسته شده تا میزان هر یک را در محل سکونت خود در یک طیف ۱ تا ۵ ارزش گذاری نمایند. شاخص های خاطرات، معنای مکان و عزت نفس به ترتیب با میانگین ۳.۲۳، ۳.۲۶ و ۳.۲۵ بیشترین ارزش و شاخص های غرور و حفظ نزدیکی به ترتیب با میانگین ۳.۱۵ و ۳.۱۹ کمترین ارزش را نسبت به سایر شاخص های پیوندهای عاطفی داشته اند. در مجموع میزان مولفه پیوند عاطفی محلات شهر زاهدان ۳.۲۴ است که گویای وضعیت متوسط پیوند عاطفی در این شهر است. همچنین بیشترین میزان مولفه پیوند عاطفی مربوط به منطقه چهار با ارزش ۳.۵۲ و کمترین میزان مربوط به منطقه سه شهر زاهدان (ارزش ۳.۱۳) است (جدول شماره ۴ و نمودار شماره ۱)

جدول شماره ۴: وضعیت مولفه پیوندهای عاطفی در مناطق ۵ گانه شهر زاهدان

پیوندهای عاطفی	عزت نفس	احساس تمایز	حفظ نزدیکی	معنای مکان	وجود خاطرات	عدم ترک مکان	احساس غرور	احساس تعلق	
۳.۲۲	۳.۲۱	۳.۱۴	۲.۹۹	۳.۱۵	۳.۴۶	۳.۲۱	۳.۱۹	۳.۴۰	منطقه ۱
۳.۲۲	۳.۱۲	۳.۲۳	۳.۱۹	۳.۵۱	۳.۳۵	۳.۱۷	۳.۰۵	۳.۱۴	منطقه ۲
۳.۱۳	۳.۲۲	۲.۹۵	۳.۲۲	۳.۱۷	۳.۲۶	۳.۱۴	۳.۰۶	۳.۰۴	منطقه ۳
۳.۵۲	۳.۶۹	۳.۶۵	۳.۶۳	۳.۴۶	۳.۴۶	۳.۴۹	۳.۴۱	۳.۳۶	منطقه ۴
۳.۰۹	۳.۰۱	۳.۲۲	۲.۹۴	۳.۰۳	۳.۱۴	۳.۱۸	۳.۰۱	۳.۲۱	منطقه ۵
۳.۲۴	۳.۲۵	۳.۲۴	۳.۱۹	۳.۲۶	۳.۳۳	۳.۲۴	۳.۱۵	۳.۲۳	شهر

ماخذ: پیمایش میدانی، ۱۳۹۸



نمودار شماره ۱: وضعیت پیوندهای عاطفی در مناطق شهری زاهدان

- تداوم

در بررسی و تحلیل مولفه تداوم از چهار شاخص تمایل به ماندگاری، تداوم زندگی، تاریخ مکان و تاریخ خانوادگی استفاده شده است. شاخص تمایل به ماندگاری با میانگین ۳.۵۴ بیشترین ارزش و شاخص تاریخ مکان با میانگین ۳.۰۶ کمترین ارزش را نسبت به سایر شاخص های تداوم داشته اند. در مجموع میزان مولفه تداوم محلات شهر زاهدان ۳.۰۵ است که گویای وضعیت متوسط پیوند عاطفی در این شهر است. همچنین بیشترین مولفه میزان تداوم مربوط به منطقه چهار با ارزش ۳.۳۹ و کمترین میزان مربوط به مناطق یک و سه شهر زاهدان (به ترتیب ارزش ۲.۹۷ و ۲.۹۸) ست (جدول شماره ۵ و نقشه شماره ۱)

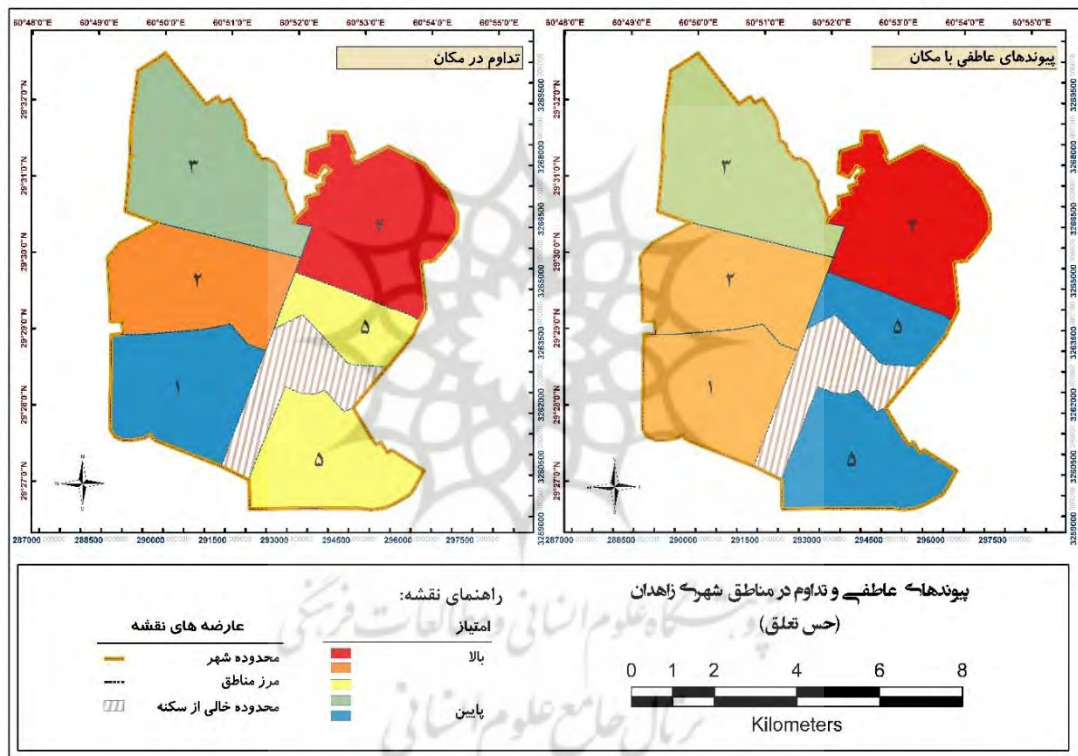
جدول شماره ۵: وضعیت مولفه تداوم در مناطق ۵ گانه شهر زاهدان

تداوم	تاریخ خانوادگی	تاریخ مکان	تداوم زندگی	تمایله ماندگاری	
۲.۹۷	۲.۷۴	۳.۰۴	۳.۱۰	۲.۹۹	منطقه ۱
۳.۱۶	۲.۹۱	۳.۳۱	۳.۴۰	۳.۰۳	منطقه ۲
۲.۹۸	۲.۹۲	۲.۹۶	۳.۰۰	۳.۰۴	منطقه ۳
۳.۳۹	۳.۳۳	۳.۳۵	۳.۳۶	۳.۵۴	منطقه ۴
۳.۰۵	۲.۶۷	۳.۰۶	۳.۲۶	۳.۲۳	منطقه ۵
۳.۱۱	۲.۹۲	۳.۱۴	۳.۲۲	۳.۱۶	شهر

ماخذ: پیمایش میدانی، ۱۳۹۸



نمودار شماره ۲: وضعیت مولفه تداوم در مناطق ۵ گانه شهر زاهدان



نقشه شماره ۱: وضعیت پیوندهای عاطفی و تداوم در مناطق شهری زاهدان

- هویت و ارزش ها

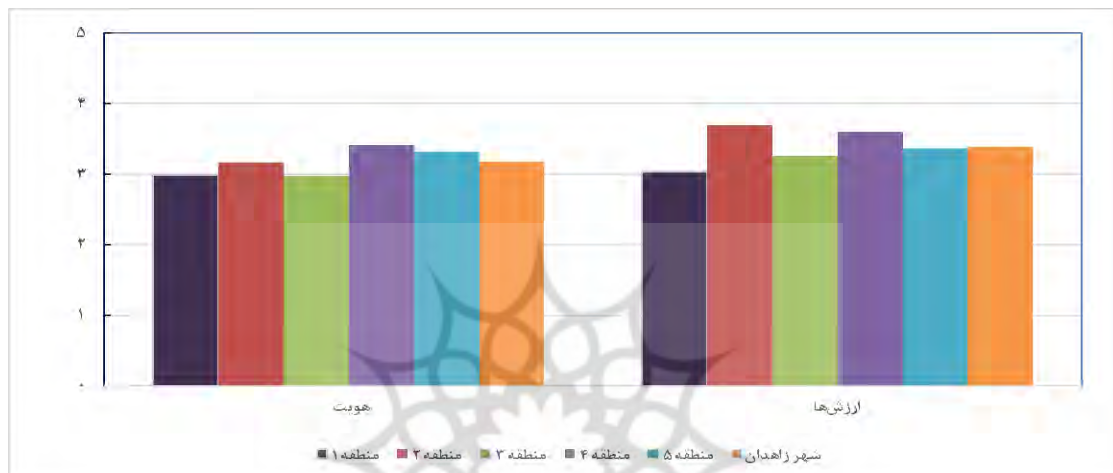
به منظور بررسی و تحلیل مولفه هویت و ارزش ها از دو شاخص هویت و ارزش ها استفاده شده است. ارزش شاخص ارزش ها با میانگین ۳.۳۹ بالاتر از ارزش شاخص هویت با میانگین ۳.۱۷ قرار دارد. در مجموع میزان مولفه هویت و ارزش ها محلات شهر زاهدان ۳.۲۸ است که گویای وضعیت متوسط هویت و ارزش ها در این شهر است. همچنین بیشترین مولفه هویت و ارزش ها مربوط به منطقه چهار با ارزش ۳.۵۱ و کمترین میزان مربوط به منطقه یک شهر زاهدان (ارزش ۳.۰۱) ست (جدول شماره ۶ و نمودار شماره ۳)

جدول شماره ۶: وضعیت مولفه هویت و ارزش ها در مناطق ۵ گانه شهر زاهدان

هویت	ارزش ها	هویت و ارزش ها

منطقه ۱	۲.۹۹	۳.۰۴	۳.۰۱
منطقه ۲	۳.۱۷	۳.۶۹	۳.۴۳
منطقه ۳	۲.۹۷	۳.۲۶	۳.۱۲
منطقه ۴	۳.۴۱	۳.۶۰	۳.۵۱
منطقه ۵	۳.۳۲	۳.۳۶	۳.۳۴
شهر	۳.۱۷	۳.۳۹	۳.۲۸

ماخذ: پیمایش میدانی، ۱۳۹۸



نمودار شماره ۳: وضعیت مولفه هویت و ارزش ها در مناطق ۵ گانه شهر زاهدان

- پیوندهای اجتماعی

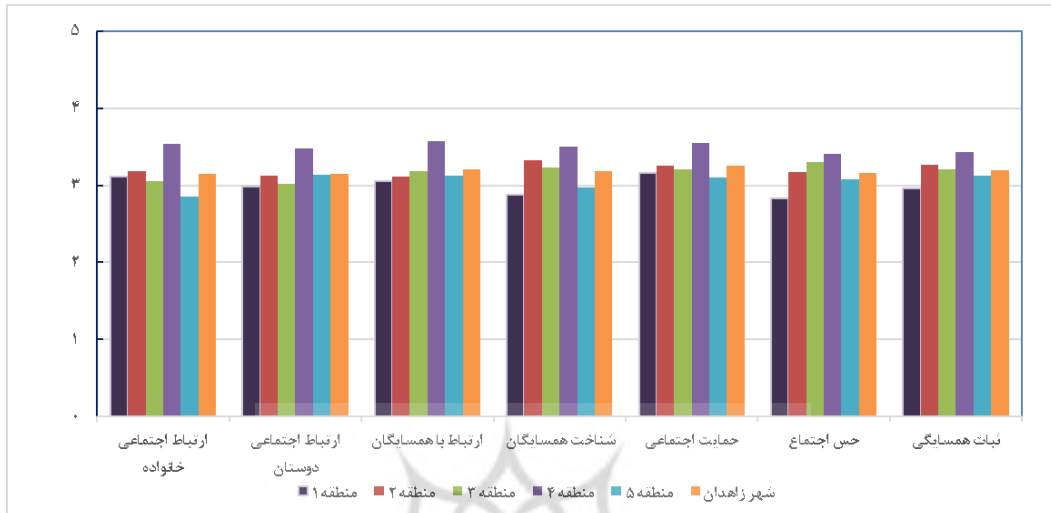
در بررسی و تحلیل مولفه پیوندهای اجتماعی از هفت شاخص ارتباط اجتماعی خانواده، ارتباط اجتماعی دوستان، ارتباط با همسایگان، شناخت همسایگان، حمایت اجتماعی، حس اجتماع و ثبات همسایگی استفاده شده است. شاخص های حمایت اجتماعی، ارتباط با همسایگان و ثبات همسایگی به ترتیب با میانگین ۳.۲۵، ۳.۲۱ و ۳.۲۰ بیشترین ارزش و شاخص های ارتباط اجتماعی خانواده و ارتباط اجتماعی دوستان با میانگین ۳.۱۵ کمترین ارزش را نسبت به سایر شاخص های پیوندهای اجتماعی داشته اند. در مجموع میزان مولفه پیوند اجتماعی محلات شهر زاهدان ۳.۱۹ است که گویای وضعیت متوسط پیوند اجتماعی در این شهر است. همچنین بیشترین میزان مولفه پیوند اجتماعی مربوط به منطقه چهار با ارزش ۳.۵۰ و کمترین میزان مربوط به منطقه یک شهر زاهدان (ارزش ۳.۰۰) است (جدول شماره ۷، نمودار شماره ۴ و نقشه شماره ۲)

جدول شماره ۷: وضعیت مولفه پیوندهای اجتماعی در مناطق ۵ گانه شهر زاهدان

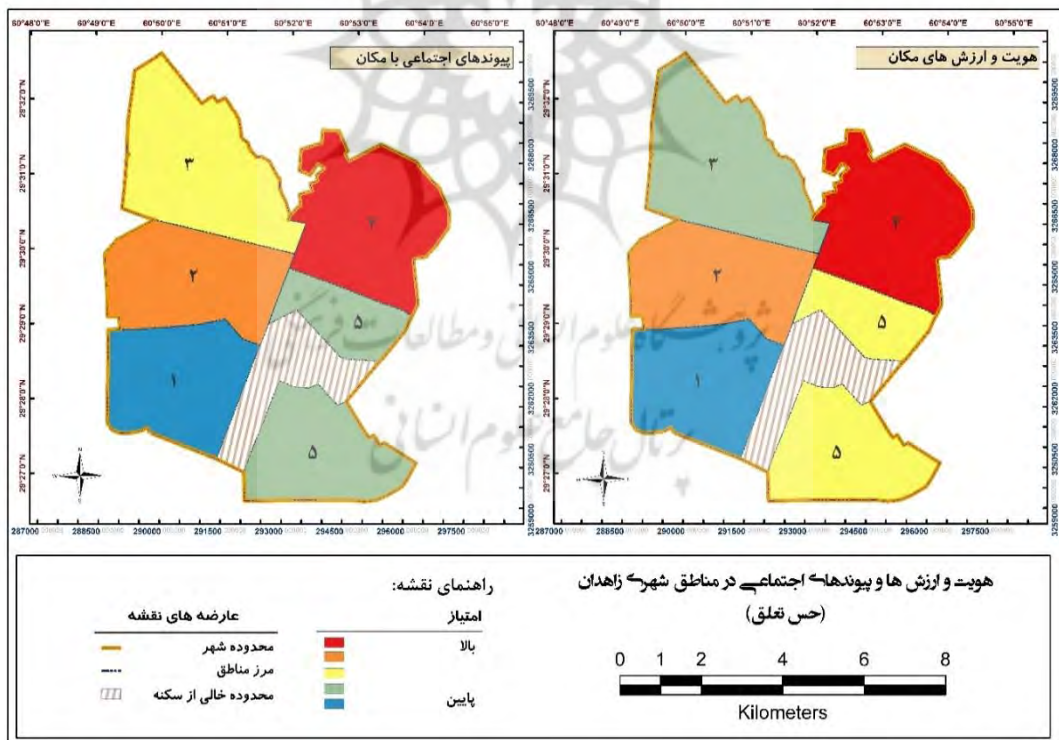
پیوندهای اجتماعی	ثبات همسایگی	حس اجتماع	حمایت اجتماعی	شناخت همسایگان	ارتباط با همسایگان	ارتباط اجتماعی دوستان	ارتباط اجتماعی خانواده	منطقه
۳.۰۰	۲.۹۶	۲.۸۳	۳.۱۵	۲.۸۷	۳.۰۵	۲.۹۹	۳.۱۲	منطقه ۱
۳.۲۱	۳.۲۷	۳.۱۷	۳.۲۶	۳.۳۲	۳.۱۲	۳.۱۳	۳.۱۸	منطقه ۲
۳.۱۷	۳.۲۱	۳.۲۹	۳.۲۱	۳.۲۳	۳.۱۸	۳.۰۱	۳.۰۵	منطقه ۳
۳.۵۰	۳.۴۴	۳.۴۱	۳.۵۵	۳.۵۰	۳.۵۸	۳.۴۷	۳.۵۴	منطقه ۴

منطقه ۵	۲۸۶	۳۱۴	۳۱۳	۲۹۷	۳۱۰	۳۰۸	۳۱۳	۳۰۶
شهر	۳۱۵	۳۱۵	۳۲۱	۳۱۸	۳۲۵	۳۱۶	۳۲۰	۳۱۹

ماخذ: پیمایش میدانی، ۱۳۹۸



نمودار شماره ۴: وضعیت مولفه پیوندهای اجتماعی در مناطق ۵ گانه شهر زاهدان



نقشه شماره ۲: وضعیت هویت و ارزش ها و پیوندهای اجتماعی در مناطق شهری زاهدان

– مشارکت و اثرگذاری

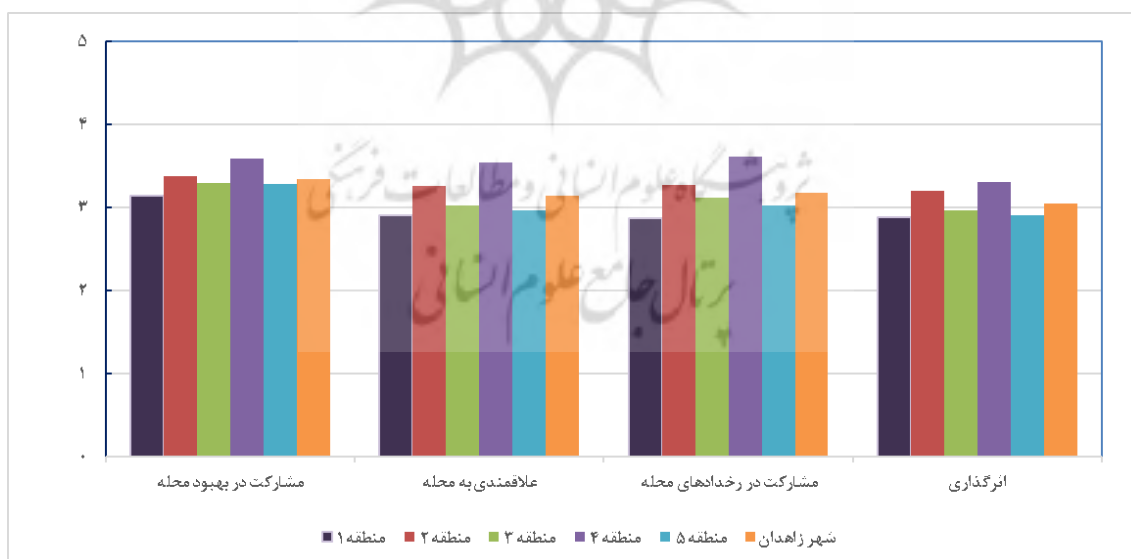
به منظور بررسی و تحلیل مولفه مشارکت و اثرگذاری از چهار شاخص مشارکت در بهبود محله، علاقمندی به محله، مشارکت در رخدادهای محله و اثرگذاری استفاده شده است. شاخص مشارکت در بهبود محله با میانگین

۳.۳۴ بیشترین ارزش و شاخص اثرگذاری با میانگین ۳.۰۵ کمترین ارزش را نسبت به سایر شاخص های مشارکت و اثرگذاری داشته اند. در مجموع میزان مولفه مشارکت و اثرگذاری محلات شهر زاهدان ۳.۱۸ است که گویای وضعیت متوسط مشارکت و اثرگذاری در این شهر است. همچنین بیشترین مولفه میزان مشارکت و اثرگذاری مربوط به منطقه چهار با ارزش ۳.۵۱ و کمترین میزان مربوط به منطقه یک شهر زاهدان (ارزش ۲.۹۵) ست (جدول شماره ۸ و نمودار شماره ۵)

جدول شماره ۸: وضعیت مولفه مشارکت و اثرگذاری در مناطق ۵ گانه شهر زاهدان

مشارکت و اثرگذاری	اثرگذاری	مشارکت در رخدادهای محله	علاقمندی به محله	مشارکت در بهبود محله	
۲.۹۵	۲.۸۸	۲.۸۷	۲.۹۱	۳.۱۴	منطقه ۱
۳.۲۸	۳.۲۱	۳.۲۷	۳.۲۶	۳.۳۸	منطقه ۲
۳.۱۰	۲.۹۶	۳.۱۲	۳.۰۳	۳.۲۹	منطقه ۳
۳.۵۱	۳.۳۱	۳.۶۲	۳.۵۴	۳.۵۹	منطقه ۴
۳.۰۴	۲.۹۱	۳.۰۳	۲.۹۶	۳.۲۸	منطقه ۵
۳.۱۸	۳.۰۵	۳.۱۸	۳.۱۴	۳.۳۴	شهر

ماخذ: پیمایش میدانی، ۱۳۹۸



نمودار شماره ۵: وضعیت مولفه مشارکت و اثرگذاری در مناطق ۵ گانه شهر زاهدان

- پیوندهای عملی

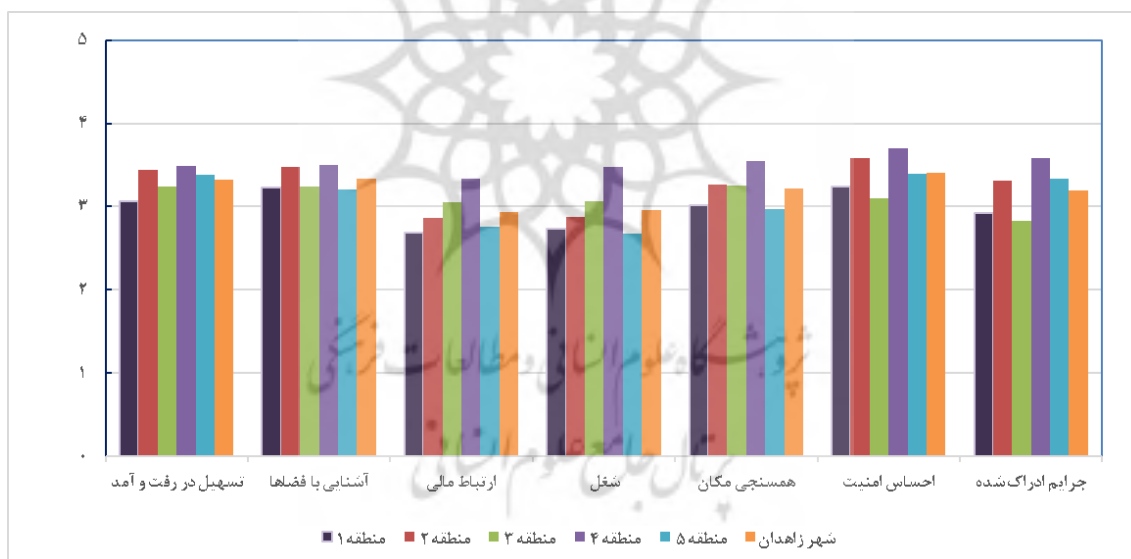
در بررسی و تحلیل مولفه پیوندهای عملی از هفت شاخص تسهیل در رفت و آمد، آشنایی با فضاها، ارتباط مالی، شغل مرتبط با محله، همسنگی مکان، احساس امنیت و جرایم ادراک شده استفاده شده است. شاخص احساس امنیت با میانگین ۳.۴۱ بیشترین ارزش و شاخص های ارتباط مالی و شغل مرتبط با محله با میانگین ۳.۱۵ کمترین

ارزش را نسبت به سایر شاخص های پیوندهای عملی داشته اند. در مجموع میزان مولفه پیوندهای عملی محلات شهر زاهدان ۳.۲۰ است که گویای وضعیت متوسط پیوندهای عملی در این شهر است. همچنین بیشترین میزان مولفه پیوندهای عملی مربوط به منطقه چهار با ارزش ۳.۵۲ و کمترین میزان مربوط به منطقه یک شهر زاهدان (ارزش ۲.۹۹) است (جدول شماره ۹، نمودار شماره ۶ و نقشه شماره ۳)

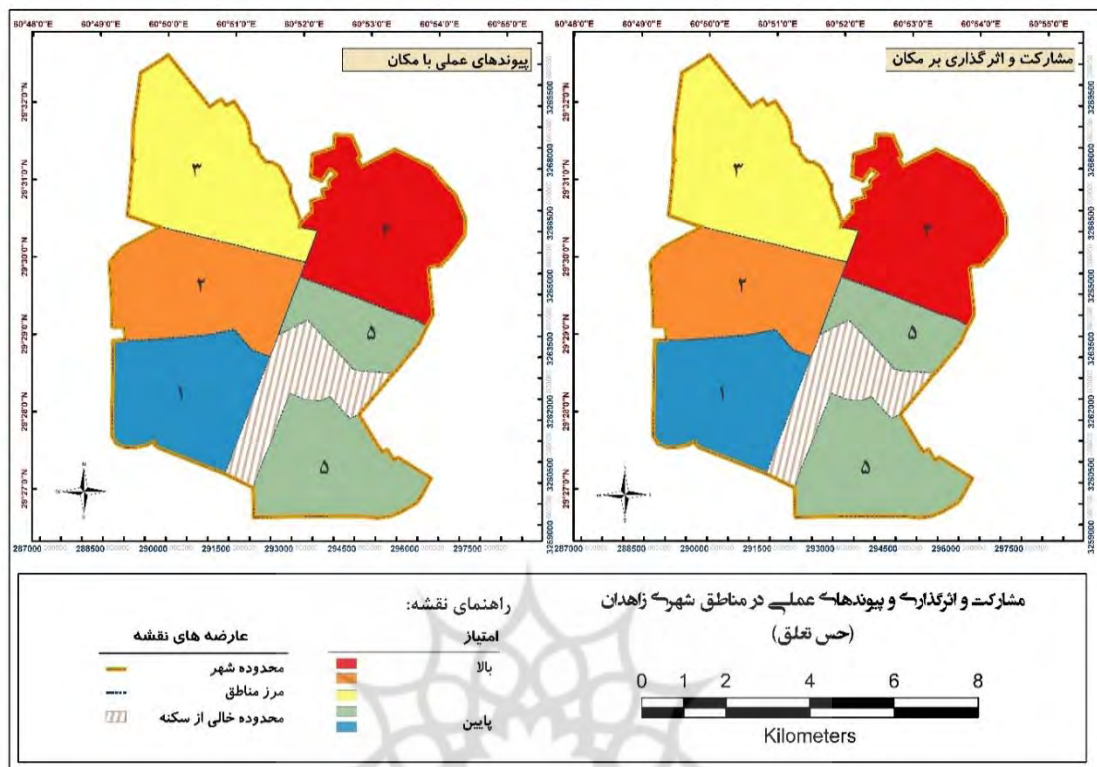
جدول شماره ۹: وضعیت مولفه پیوندهای عملی در مناطق ۵ گانه شهر زاهدان

پیوندهای عملی	جرایم ادراک شده	احساس امنیت	همسجی مکان	شغل مرتبط	ارتباط مالی	آشنایی با فضاها	تسهیل در رفت و آمد	
۲.۹۹	۲.۹۲	۳.۲۴	۳.۰۱	۲.۷۳	۲.۶۹	۳.۲۳	۳.۰۶	منطقه ۱
۳.۲۶	۳.۳۱	۳.۵۸	۳.۲۷	۲.۸۷	۲.۸۶	۳.۴۷	۳.۴۴	منطقه ۲
۳.۱۱	۲.۸۳	۳.۱۰	۳.۲۶	۳.۰۶	۳.۰۵	۳.۲۴	۳.۲۴	منطقه ۳
۳.۵۲	۳.۵۸	۳.۷۱	۳.۵۵	۳.۴۷	۳.۳۳	۳.۵۰	۳.۴۹	منطقه ۴
۳.۱۰	۳.۳۳	۳.۴۰	۲.۹۷	۲.۶۸	۲.۷۶	۳.۲۱	۳.۳۸	منطقه ۵
۳.۲۰	۳.۱۹	۳.۴۱	۳.۲۱	۲.۹۶	۲.۹۴	۳.۳۳	۳.۳۲	شهر

ماخذ: پیمایش میدانی، ۱۳۹۸



نمودار شماره ۶: وضعیت مولفه پیوندهای عملی در مناطق ۵ گانه شهر زاهدان



نقشه شماره ۳: وضعیت مشارکت و اثرگذاری و وضعیت پیوندهای عملی در مناطق شهری زاهدان

۶- نتیجه گیری

ارتباط و همبستگی بین مؤلفه های حس تعلق مکان و کیفیت محیط شهری همواره مورد توجه جغرافیدانان و جامعه شناسان بوده است. در واقع محیط شهری محصولی از الگوهای فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی شهر، فرهنگ و تکنولوژی آن و نتیجه شیوه‌های برنامه‌ریزی فیزیکی است. با گسترش جمعیت و وسعت شهرها و ظهور شهرسازی جدید، پیچیدگی‌های کالبدی - فضایی در شهرها نیز افزایش یافت. بطوری که شناخت ساختار و استخوان‌بندی اصلی شهرها و ریخت‌شناسی آن بر اساس تحلیل تمام اجزای شهر امری ناممکن و دشوار گشت. بنابراین، تحلیل ساختار فضایی شهرها در ارتباط با شناخت توزیع امکانات و خدمات و تأثیر پذیری آن از مولفه های حس تعلق مکان بافت‌های مختلف شهر نیاز به روش‌هایی دارد که بتواند به این پیچیدگی‌ها پاسخ دهد.

در این پژوهش از شش مولفه اصلی شامل پیوندهای عاطفی، تداوم، مشارکت و اثرگذاری، هویت و ارزش‌ها، پیوندهای اجتماعی و پیوندهای عملی استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که بیشترین میزان مولفه پیوند عاطفی، مولفه میزان تداوم، مولفه هویت و ارزش‌ها، مولفه پیوند اجتماعی، مولفه مشارکت و اثرگذاری و همچنین مولفه پیوندهای عملی مربوط به منطقه چهار (به ترتیب با ارزش ۳.۵۲، ۳.۳۹، ۳.۵۱، ۳.۵۰، ۳.۵۱ و ۳.۵۲) می باشد. همچنین کمترین میزان مولفه پیوند عاطفی مربوط به منطقه سه شهر زاهدان (ارزش ۳.۱۳) و مولفه میزان تداوم،

مربوط به مناطق یک و سه شهر زاهدان (به ترتیب ارزش ۲.۹۷ و ۲.۹۸) است. همینطور کمترین میزان مولفه هویت و ارزش ها، مولفه پیوند اجتماعی، میزان مولفه مشارکت و اثرگذاری و مولفه پیوندهای عملی مربوط به منطقه یک شهر زاهدان (به ترتیب ارزش ۳.۰۱، ۳.۰۰، ۲.۹۵ و ۲.۹۹) است.

کتابنامه

- پرتوی، پروین (۱۳۸۷). پدیدارشناسی مکان. تهران: فرهنگستان هنر.
- حبیبی، داود؛ حبیبی، دیانا؛ کسالایی، افسانه؛ گرجی پور، فاطمه و مهرداد توکلی (۱۳۹۷)، تبیین حس تعلق به مکان و هویت در فضاهای شهری با تاکید بر بازارهای سنتی، معماری شناسی، سال اول، شماره ۳.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۸)، فضای جمعی حیات واقعه‌ای و خاطره جمعی. نشریه صفحه، (۲۸)، ۱۶ - ۲۱.
- سرور، هوشنگ؛ کاشانی اصل، امیر؛ صلاحی ساریخان بیگلر، وحید؛ افضل‌گروه، زهرا (۱۳۹۶)، سنج بازار سرپوشیده اردبیل به لحاظ برخورداری از مؤلفه‌های پویایی فضای شهری، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال هشتم، شماره ۳۰، صفحه ۵۱ - ۶۴.
- فردآقائی، فردوس (۱۳۸۲). بررسی تأثیر تحولات اجتماعی - اقتصادی بر روند شهرنشینی، نمونه موردی: شهر زاهدان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، دانشگاه سیستان و بلوچستان. ۱۶۴ صفحه.
- فلاح، محمدصادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، هنرهای زیبا، دوره اول، شماره ۲۶.
- Anderson, W. P., Kanaroglou, P. S., & Miller, E. J. (1996). Urban form, energy and the environment: a review of issues, evidence and policy. *Urban Studies*, 33(1), 7-35 .
- Doh, M. (2006). Change through tourism: Resident perceptions of tourism development. *Unpublished Doctoral Dissertation, Texas A&M University, College Station, TX* .
- Gideon, L (2012). *Handbook of survey methodology for the social sciences: Springer*.
- Hidalgo, M. C., & Hernandez, B. (2001). Place attachment: Conceptual and empirical questions. *Journal of environmental psychology*, 21(3), 273-281 .
- Lewicka, M. (2008). Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. *Journal of environmental psychology*, 28(3), 209-231 .
- Mazumdar, S., & Mazumdar, S. (2004). Religion and place attachment: A study of sacred places. *Journal of environmental psychology*, 385-397, (3)24.
- Raymond, C. M., Brown, G., & Weber, D. (2010). The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections. *Journal of environmental psychology*, 30(4), 422-434 .
- Ujang, N. (2008). Place attachment, familiarity and sustainability of urban place identity. *Department of Landscape Architecture, Faculty of Design and Architecture, University Putra, Malaysia*.
- Shamai, S. (1991). Sense of place: An empirical measurement. *Geoforum*, 22(3), 347-358 .
- Scannell, L., & Gifford, R. (2010a). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of environmental psychology*, 30(1), 1-10 .
- Scannell, L., & Gifford, R. (2010b). The relations between natural and civic place attachment and pro-environmental behavior. *Journal of environmental psychology*, 30(3), 289-297 .
- Waxman, L. (2006). The coffee shop: Social and physical factors influencing place attachment. *Journal of Interior Design*, 31(3), 35-53